



آزمون‌یار

حقوق مدنی

سوالات طبقه‌بندی شده

۲۰۰۰ تست مهم با پاسخ‌های کاملاً تشریحی

همراه با ۱۰ مرحله آزمون آزمایشی خودسنجی

به انضمام تست‌های تألیفی و سوالات کلیه آزمون‌های

وکالت، قضاوت، کارشناسی ارشد و دکتری تا ۱۴۰۵

ارائه بیش از ۲۵۰ نکته طلایی

با توجه ویژه به کتاب

شرح جامع قانون مدنی (دکتر فرهاد بیات)

مؤلف: سید احمد حسینی

(پژوهشگر دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس)

انتشارات اندیشه ارشد

مقدمه

کتاب حاضر مجموعه‌ای از سؤالات تألیفی و منتخب آزمونهای کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت و قضاوت در سالهای گذشته با تأکید بر سالهای نزدیک به زمان حال است. به گونه‌ای که علاوه بر منتخب سؤالات سالهای دورتر، تمام سؤالات کنکور کارشناسی ارشد، دکتری، وکالت و قضاوت از سال ۹۰ تا ۱۴۰۰ را در برمی‌گیرد. تستها بر اساس تقسیم‌بندی دروس دانشگاهی از مدنی (۱) تا مدنی (۸) چیدمان شده‌اند و در هر قسمت ابتدا سؤالات تألیفی و سپس سؤالات آزمونهای حقوقی آورده شده است. در میان آزمونهای حقوقی نیز ابتدا به سؤالات آزمونهای آزاد و وکالت و قضاوت و مشاوران پرداخته و سپس به آزمونهای سراسری اعم از کارشناسی ارشد و دکتری توجه شده است. همچنین در میان آزمونهای حقوقی به ترتیب از سالهای گذشته شروع کرده و به سمت زمان حال نزدیک شده‌ایم. مجموع این ویژگی‌ها باعث خواهد شد که داوطلب با پاسخگویی به سؤالات بر اساس ترتیب کتاب، چندین مرتبه مطالب حقوق مدنی را از اول تا پایان مرور نموده باشد. علاوه بر ارائه بیش از ۲۲۰ نکته کلیدی، سعی مؤلف بر این بوده تا با تمرکز و استناد به قوانین و منابع معتبر و استفاده از تجربیات حاصل از مطالعه و بررسی بیش از ۶۰۰۰ تست حقوق مدنی، پاسخهای تشریحی به سؤالات داده شود تا ان شاء الله بتواند هر چه بیشتر در آماده سازی دانشجویان حقوق برای شرکت در آزمونهای حقوقی نقش‌آفرینی کند. همچنین در راستای غنای مجموعه حاضر، به سؤالات مطروحه از قوانین خاص مدنی و آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور نیز امعان نظر شده است البته پرداختن به قوانین خاص مدنی و آراء وحدت رویه به صورت مفصل از حوصله این کتاب خارج و ان شاء الله موضوع تألیف بعدی اینجانب خواهد بود.

نشانه‌های اختصاری

ق.م.....	قانون مدنی
ق.ا.ح.....	قانون امور حسبی
ق.آ.د.م.....	قانون آیین دادرسی مدنی
ق.ح.خ.....	قانون حمایت خانواده
ق.ت.....	قانون تجارت
ق.م.م.....	قانون مسئولیت مدنی
ق.ر.م.م.....	قانون روابط موجر و مستأجر
ق.ث.ا.ا.....	قانون ثبت اسناد و املاک
ق.ث.ا.....	قانون ثبت احوال
ق.م.ا.....	قانون مجازات اسلامی

[سوالات طبقه‌بندی شده حقوق مدنی]

۱۲	 سوالات مدنی یک
۲۱	 سوالات مدنی دو
۳۷	 سوالات مدنی سه
۱۱۱	 سوالات مدنی چهار
۱۳۸	 سوالات مدنی پنج
۱۶۳	 سوالات مدنی شش و هفت (عقود معین)
۲۵۵	 سوالات مدنی هشت
۲۸۳	 سوالات متفرقه

[پاسخنامه طبقه‌بندی شده حقوق مدنی]

۲۹۰	 پاسخنامه مدنی یک
۳۰۱	 پاسخنامه مدنی دو
۳۱۹	 پاسخنامه مدنی سه
۳۹۶	 پاسخنامه مدنی چهار
۴۲۵	 پاسخنامه مدنی پنج
۴۵۰	 پاسخنامه مدنی شش و هفت (عقود معین)
۵۵۵	 پاسخنامه مدنی هشت
۵۸۹	 پاسخنامه متفرقه

[سوالات آزمون‌های خودآزمایی حقوق مدنی]

۵۹۶	 آزمون خودآزمایی ۱
۵۹۹ ۲	 آزمون خودآزمایی
۶۰۳ ۳	 آزمون خودآزمایی
۶۰۶ ۴	 آزمون خودآزمایی
۶۱۰ ۵	 آزمون خودآزمایی
۶۱۴	 آزمون خودآزمایی ۶
۶۱۸ ۷	 آزمون خودآزمایی
۶۲۱	 آزمون خودآزمایی ۸
۶۲۵	 آزمون خودآزمایی ۹
۶۲۸ ۱۰	 آزمون خودآزمایی

[پاسخنامه آزمون‌های خودآزمایی حقوق مدنی]

۶۳۴	 پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۱
۶۳۶	 پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۲
۶۳۹	 پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۳
۶۴۱	 پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۴
۶۴۴	 پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۵

۶۴۶	پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۶
۶۴۸	پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۷
۶۵۱	پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۸
۶۵۴	پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۹
۶۵۶	پاسخنامه آزمون خودآزمایی ۱۰

[سوالات حقوق مدنی: سراسری، دکتری، وکالت و مرکز وکلا]

۶۶۰	سؤالات حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۷
۶۶۴	پاسخنامه سوالات حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۷
۶۶۸	سؤالات حقوق مدنی دکتری ۱۳۹۷
۶۷۴	پاسخنامه سوالات حقوق مدنی دکتری ۱۳۹۷
۶۸۰	سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۷
۶۸۴	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۷
۶۸۷	سؤالات حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۹۷
۶۹۲	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۹۷
۶۹۵	سؤالات حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۸
۶۹۹	پاسخنامه حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۸
۷۰۴	سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۳۹۸
۷۱۱	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۳۹۸
۷۱۹	سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۸
۷۲۳	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۸
۷۲۸	سؤالات حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۹۸
۷۳۴	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۹۸
۷۳۹	سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۳۹۸
۷۴۳	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۳۹۸
۷۴۶	سؤالات حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۹
۷۵۰	پاسخنامه حقوق مدنی کارشناسی ارشد ۱۳۹۹
۷۵۵	سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۳۹۹
۷۶۲	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۳۹۹
۷۷۳	سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۹
۷۷۸	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۳۹۹
۷۸۳	سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۳۹۹
۷۸۹	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۳۹۹
۷۹۳	سؤالات حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۰
۷۹۷	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۰
۸۰۱	سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۰
۸۰۷	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۰
۸۱۵	سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۰
۸۱۹	پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۰

۸۲۵		سؤالات حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۱
۸۲۹		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۱
۸۳۴		سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۱
۸۴۰		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۱
۸۴۷		سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۱
۸۵۲		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۱
۸۵۷		سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۱
۸۶۲		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۱
۸۶۷		سؤالات حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۲
۸۷۱		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۲
۸۷۲		سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۲
۸۷۸		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۲
۸۷۹		سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۲
۸۸۴		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۲
۸۸۸		سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲
۸۹۲		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲
۸۹۵		سؤالات حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۳
۸۹۹		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۳
۹۰۰		سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۳
۹۰۵		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۳
۹۰۶		سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۳
۹۱۰		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۳
۹۱۳		سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲
۹۱۷		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۳
۹۱۹		سؤالات حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۴
۹۲۳		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۴
۹۲۴		سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۴
۹۲۹		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۴
۹۳۲		سؤالات حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۴
۹۳۷		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون وکالت ۱۴۰۴
۹۳۹		سؤالات حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۴
۹۴۳		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۴
۹۴۶		سؤالات حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۴
۹۵۱		پاسخنامه حقوق مدنی آزمون دکتری ۱۴۰۵

سؤالات طبقه‌بندی شده

حقوق مدنی

۱۳۸۵ تا ۱۴۰۵ (با پاسخ‌های کاملاً تشریحی)

سؤالات مدنی یک

۱- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اهلیت تمتع اشخاص حقوقی، هیچ محدودیتی ندارد.
- (۲) اهلیت استیفای اشخاص حقوقی وابسته به اهلیت استیفای اشخاص تشکیل دهنده آن است.
- (۳) در مورد اهلیت تمتع، اصل بر دارا بودن آن است.
- (۴) اهلیت استیفای اشخاص حقیقی با تولد ایجاد می‌شود.

۲- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) قانون مدنی در مورد سن رشد ساکت است.
- (۲) رویه قضایی سن رشد را ۱۸ سال تمام می‌داند.
- (۳) سن رشد همان سن بلوغ است.
- (۴) رشد ملکه نفسانی است که به موجب آن شخص اموال خود را به خوبی اداره نموده و حیف و میل نمی‌نماید.

۳- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) اشخاص حقوقی دارای ماهیت اعتباری هستند نه مادی.
- (۲) ملاک غیرتجاری بودن مؤسسات، اصولاً غیرتجاری بودن موضوع فعالیت آنهاست نه نداشتن قصد انتفاع
- (۳) حقوق مربوط به شخصیت اصولاً به ارث نمی‌رسند.
- (۴) وضعیت انسان نتیجه اهلیت اوست.

۴- در خصوص اهلیت تمتع شخص حقوقی حقوق خصوصی کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) با توجه به حکم بودن «اهلیت» اهلیت تمتع این اشخاص را حتی قانون نیز نمی‌تواند محدود کند.
- (۲) این اشخاص از تمام حقوق و تکالیف برخوردارند و تنها قانون می‌تواند این اهلیت را محدود کند.
- (۳) این اشخاص از تمام حقوق و تکالیفی که اشخاص حقیقی دارند، برخوردارند، جز حقوق و تکالیفی که ذاتاً مخصوص انسان‌هاست و فقط قانون می‌تواند این اهلیت را محدود کند.
- (۴) اهلیت تمتع این اشخاص محدود به حدودی است که قانون یا قرارداد مقرر داشته است.

۵- اگر بر جنین خسارتی وارد شود:

- (۱) صرفاً نماینده قانونی او می‌تواند مطالبه خسارت کند.
- (۲) صرفاً خود طفل، آن هم بعد از اهلیت توانایی مطالبه خسارت را دارد.
- (۳) نماینده قانونی یا خود طفل بعد از اهلیت می‌تواند جبران خسارت بخواهند.
- (۴) این خسارات اصلاً قابل مطالبه نیست.

۶- ضمانت اجرای تکلیف به اعلام تولد طفل ظرف مدت ۱۵ روز از تولد وی چیست؟

- (۱) رسمی محسوب نشدن سند صادره
- (۲) عدم ثبت مشخصات طفل در سیستم ثبت احوال
- (۳) حبس تأدیبی پدر
- (۴) قید تأخیر در اعلام در اسناد سجل احوال

۷- منظور از ولی خاص عبارتست از.....

- (۱) پدر، جد پدری، وصی منصوب از جانب آنها
- (۲) پدر، جد پدری
- (۳) همان ولی قهری است
- (۴) پدر، جد پدری و قیم منصوب از سوی دادگاه

۸- گزینه صحیح را مشخص نمایید؟

- (۱) در مورد اسناد ثبت احوال حتی قبل از امضای سند، اگر اشتباهی اتفاق افتد امکان تصحیح آن نخواهد بود.
- (۲) اگر پدر و مادر طفل نامعلوم باشند، نام خانوادگی فرضی به وی داده خواهد شد.
- (۳) برای استفاده از نام خانوادگی مادر نیازی به اجازه از صاحب حق تقدم نیست.
- (۴) فرزند نامشروع، در سیستم حقوقی ما هیچ حقی بر پدر و مادر طبیعی خود ندارد.

۹- کدام یک از اشخاص زیر قابل عزل نیست؟

- | | |
|--------------|---------------------------------|
| (۱) قیم | (۲) امین |
| (۳) ولی قهری | (۴) متولی تعیین شده از سوی واقف |
- ۱۰- کدام یک از اشخاص زیر نسبت به دیگران در اخذ سمت امین غایب مفقودالاثر مقدم است؟
- | | | | |
|----------|--------|---------|----------|
| (۱) مادر | (۲) جد | (۳) پدر | (۴) شوهر |
|----------|--------|---------|----------|

۱۱- کدام گزینه نادرست می باشد؟

- (۱) فروش اموال فاسد شدنی غایب مفقودالاثر بدون اجازه دادستان امکان پذیر است.
 - (۲) اموال غیرمنقول غایب در صورت لزوم برای پرداخت نفقه اشخاص واجب النفقه او با شرایطی قابل فروش است.
 - (۳) نفقه اشخاص واجب نفقه شخص غایب مفقودالاثر ابتدائاً از فروش اموال غایب تأمین می شود.
 - (۴) حق الزحمه امین غایب مفقودالاثر ابتدائاً از درآمد اموال غایب پرداخت می گردد.
- ۱۲- اگر ولی مال مولی علیه صغیر را برای مدت ده سال به اجاره دهد و صغیر پس از دو سال رشید گردد، تکلیف این اجاره پس از رفع حجر صغیر چگونه است؟

- | | | | |
|--------------|---------------|-------------------|-------------------|
| (۱) صحیح است | (۲) باطل است. | (۳) غیر نافذ است. | (۴) قابل فسخ است. |
|--------------|---------------|-------------------|-------------------|

۱۳- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) دادگاه می تواند یک یا چند ناظر بر قیم نصب کند ولی لازم نیست حدود اختیارات آنها را معین کند.
- (۲) دادگاه در صورت لزوم می تواند چند قیم انتخاب کند و لازم است اختیارات آنها را از یکدیگر تفکیک کند.
- (۳) دادگاه می تواند در صورت لزوم یک یا چند ناظر بر قیم نصب کند و حدود اختیارات آنها را نیز باید معین نماید.
- (۴) دادگاه امکان انتخاب بیش از یک قیم را برای اشخاص محجور ندارد.

۱۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) ازدواج زنی که حضانت را بر عهده دارد سبب سقوط حضانت وی نخواهد شد.
- (۲) ازدواج زنی که سمت قیمومت را داراست موجب عزل وی خواهد شد.
- (۳) ازدواج زن سبب سقوط حضانت وی خواهد شد ولی به هیچ عنوان سبب عزل وی از سمت قیمومت نمی شود.
- (۴) ازدواج زن سبب سقوط حضانت وی خواهد شد ولی در مورد سمت قیمومت ممکن است در شرایطی باعث عزل وی از قیمومت گردد.

۱۵- سکوت زوج پس از طلاق، در ارتباط با استفاده زوجه از نام خانوادگی او...

(۱) به معنی عدم اجازه او می باشد زیرا سکوت نشانه رضایت نیست.

(۲) اصولاً سکوت به معنای رضایت است و این مورد هم مستثنی نیست.

(۳) استثنائاً رضای ضمنی محسوب می شود.

(۴) زوجه حتی با اجازه شوهر پس از طلاق حق استفاده از نام خانوادگی وی را ندارد.

۱۶- کدام یک از گزینه های زیر مصداق سلب حق به طور کلی است؟

(۱) سلب حق ازدواج تا مدت معین (۲) سلب حق شرکت در یک مناقصه

(۳) سلب حق فروش خانه به شخص معین (۴) سلب حق یک تجارت خاص در ۵ سال

۱۷- توانایی و شایستگی دارا شدن حقوق و تکلیف همان است.

(۱) دارایی (۲) اهلیت (۳) وضعیت (۴) حق تمتع

۱۸- زنی پس از عقد ازدواج، حاضر به رفتن به منزل شوهر نشده است. اقامتگاه او کجاست؟

(۱) محل سکونت شوهر است. (۲) محل اشتغال و کار شوهر است.

(۳) محل اشتغال و کار خود زن است. (۴) محل سکونت زن است.

۱۹- تملیکات بلاعوض از ناحیه محجورین:

(۱) غیر نافذ است (۲) قابل فسخ است

(۳) بعضاً صحیح است (۴) در هر حال باطل است

۲۰- در فرضی که زوج غایب مفقودالثر دفاع مقدس می باشد و ۷ سال تمام از غیبت وی می گذرد و

عالی ترین مقام اجرایی بنیاد شهید نیز گواهی نموده است و زوجه وی تقاضای طلاق دارد:

(۱) بدون نیاز به صدور حکم موت فرضی و درج آگهی در جراید محلی و کثیرالانتشار، زوجه می تواند از دادگاه

ذی صلاح تقاضای صدور حکم طلاق نماید

(۲) با صدور حکم موت فرضی موضوع مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۳ قانون مدنی و انتشار آگهی و تقاضای زوجه، دادگاه

ذی صلاح اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش می نماید

(۳) زوجه می تواند به لحاظ عسر و حرج با توجه به صدور حکم موت فرضی و انتشار آگهی موضوع ماده ۱۰۲۳

قانون مدنی از دادگاه ذی صلاح تقاضای صدور حکم طلاق نماید

(۴) قبول دادخواست طلاق زوجه از سوی دادگاه صلاحیت دار با رعایت مواد ۱۰۲۰، ۱۰۲۱ و ۱۰۲۳ قانون مدنی

الزامی است

۲۱- کدام مورد صحیح است؟

(۱) اقرار سفیه در امور مالی، موثر نیست.

(۲) اقرار معلق، موثر نیست.

(۳) اقرار ورشکسته نسبت به اموال خود به ضرر ذیان، نافذ نیست.

(۴) هر سه مورد صحیح است.

۲۲- نفقه طفل متولد از زنا:

(۱) بر عهده پدر طبیعی نیست

(۲) بر عهده پدر طبیعی است

(۳) بر عهده مادر است

(۴) در صورتی که نفقه او از جانب دولت پرداخت نشود، بر عهده پدر طبیعی است

۲۳- هر گاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد:

(۱) دادگاه یک نفر امین به ولی منضم می کند (۲) به حکم دادگاه ولی قهری عزل می شود

(۳) بدون نیاز به عزل ولی، دادگاه قیم تعیین می کند (۴) اصولاً ولی قهری قابل عزل نیست

۲۴- خانم «الف» که یک ایرانی غیرشیعه است و ۱۷ سال سن دارد، طبق مقررات مذهب خودش در زمینه امور مالی و غیر مالی رشید محسوب می شود. آیا نامبرده می تواند آپارتمانی را که در مالکیت دارد بفروشد؟

(۱) موضوع تابع مقررات عام قانون مدنی است.

(۲) چنانچه خانم «الف» از دادگاه حکم رشد بگیرد معامله آپارتمان صحیح است، در غیر این صورت معامله غیر نافذ محسوب می شود.

(۳) با توجه به این که اهلیت جزو احوال شخصیه است، چنانچه خانم «الف» طبق مقررات مذهب خود برای معامله کردن رشید شناخته شود، انجام معامله توسط او صحیح است، در غیر این صورت معامله غیرنافذ محسوب می شود.

(۴) موارد ۱ و ۲ صحیح است.

۲۵- قیم دعوای راجع به مال منقول مولی علیه را که در دادگاه مطرح بوده، با رعایت مصلحت او به صلح خاتمه داده و در دفترخانه اسناد رسمی، صلح نامه ای تنظیم نمود. این صلح از لحاظ حقوقی چه وضعیتی دارد؟

(۱) با تصویب دادستان صحیح است

(۲) چون دعوا در دادگاه مطرح بود صلح صحیح نیست و فقط با رأی دادگاه می توان حل و فصل نمود

(۳) چون با رعایت مصلحت محجور بوده صلح صحیح است و نیازی به تصویب دادستان ندارد

(۴) با اطلاع قبلی دادستان، صلح صحیح است

۲۶- کدام مورد صحیح است؟

(۱) قیم بدون تصویب مدعی العموم می تواند دعوای مربوط به مولی علیه خود را به صلح خاتمه دهد

(۲) اگر در اختیار قیم نسبت به انجام دادن کار خاصی تردید شود، اصل عدم وجود این اختیار است

(۳) اعمالی که قیم پیش از ابلاغ حکم عزل انجام داده، باطل است

(۴) حکم عزل قیم، جنبه تأسیسی دارد

۲۷- در صورت عدم رعایت غبطه مولی علیه توسط قیم، عمل حقوقی انجام گرفته توسط قیم، چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- (۱) اصولاً قیم برخلاف ولی قهری، ملزم به رعایت غبطه محجور نیست.
- (۲) اگر بدون عمد و تقصیر غبطه را رعایت نکند و موجب زیان محجور شود، عمل وی نافذ است.
- (۳) اگر بدون عمد و تقصیر باشد، عمل وی نافذ ولی در برابر محجور، مسئول جبران ضرر است.
- (۴) اگر در حدود اختیارات قانونی عمل کند، نافذ است حتی اگر غبطه رعایت نشده باشد.

۲۸- سلب حق در کدام مورد ممکن است؟

- (۱) ولایت
- (۲) حضانت
- (۳) اقامه دعوا در مورد غیر جرایم
- (۴) زوجیت

۲۹- در خصوص اهلیت تمتع اشخاص حقیقی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) هر انسانی اهلیت تمتع دارد و تمام انسانها از تمام حقوق مدنی برخوردار هستند.
- (۲) هر انسانی اهلیت تمتع دارد، از این رو هیچ انسانی نمی‌تواند از هیچ حق مدنی محروم شود.
- (۳) هر انسانی اهلیت تمتع دارد، اما بعضی از انسانها ممکن است از حقوق مدنی برخوردار نباشند.
- (۴) هر انسانی اهلیت تمتع دارد، اما بعضی از انسانها ممکن است از بعضی از حقوق مدنی برخوردار نباشند.

۳۰- استفاده فرزند نامشروع از نام خانوادگی پدر طبیعی خود چگونه است؟

- (۱) چون او ملحق به پدر نمی‌شود، بنابراین نمی‌تواند از نام خانوادگی پدر طبیعی خود استفاده کند.
- (۲) پدر طبیعی مکلف است برای او، با نام خانوادگی خود شناسنامه بگیرد.
- (۳) در این گونه موارد، با حکم دادگاه، نام خانوادگی تعیین می‌شود.
- (۴) پدر طبیعی برای وی، از نام خانوادگی مادر استفاده می‌کند.

۳۱- در کدام مورد، ولی قهری حق طلاق زوجه مولی علیه را دارد؟

- (۱) صغر و جنون مولی علیه
- (۲) صغر، سفه و جنون مولی علیه
- (۳) جنون دائمی مولی علیه (۴) جنون موقت، اعم از دائمی و ادواری

۳۲- در وصیت تملیکی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) وصیت بر معدوم به تبع موجود، همانند وقف صحیح است.
- (۲) بنابر عقد بودن وصیت تملیکی، طرفین باید در زمان انشاء وصیت اهلیت تصرف داشته باشند.
- (۳) مرگ موصی له پیش از فوت موصی و قبل از قبول، موجب بطلان وصیت نمی‌شود.
- (۴) موصی له باید در زمان انشای وصیت، اهلیت تملک داشته باشد.

۳۳- کدام یک از اشخاص زیر می‌توانند درخواست صدور حکم موت فرضی کنند؟

- (۱) واجب‌النفقه (۲) دادستان (۳) وصی (۴) بستانکار

۳۴- در حقوق موضوعه ایران برای انحلال نکاح غایب مفقودالثر و زوجه او

- (۱) امر حاکم به زوجه برای نگه داشتن عده بی‌آنکه نیازی به طلاق باشد، کافی است.
- (۲) باید مدت چهار سال از زمان غیبت، سپری شود و حاکم با احراز این امر، حکم طلاق صادر نماید.
- (۳) علاوه بر آنکه باید پیش از مراجعه زن به دادگاه مدت چهار سال از غیبت شوهر گذشته باشد. دادگاه باید با انتشار آگهی و استمداد از مطلعین به جستجوی شوهر بپردازد. و اگر پس از انقضای مدت مقرر قانونی از او خبری به دست نیامد، به صدور حکم طلاق مبادرت ورزد.
- (۴) فقط گذشت چهار سال از مدت غیبت کفایت می‌کند.

۳۵- چه کسانی از اشخاص زیر نمی‌توانند خواستار صدور حکم موت فرضی غایب مفقودالاثَر شوند؟

(۱) طلبکاران غایب (۲) موصی‌له (۳) ورثه غایب (۴) وصی

۳۶- اگر پدر و مادر طفل با یکدیگر ازدواج نکرده باشند ولی از سر مصلحت اندیشی با استفاده از تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال واقعه ولادت وی را متفقاً به اداره ثبت احوال اعلام دارند، نام خانوادگی این طفل کدام خواهد بود؟

(۱) نام خانوادگی پدر طبیعی

(۲) نام خانوادگی مادر طبیعی

(۳) پدر و مادر طبیعی از میان دو نام خانوادگی خویش، آن را که بیشتر به مصلحت و منفعت طفل باشد، برمی‌گزینند و برای ثبت در اسناد سجلی به مأمور ثبت احوال اعلام می‌نمایند.

(۴) مأمور ثبت احوال رأساً از میان واژه‌های آزاد، یکی را به عنوان نام خانوادگی این طفل انتخاب می‌کند.

۳۷- هرگاه ولی قهری منحصر، به دلیل زندانی شدن نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند، برای اداره امور مولی علیه چه باید کرد؟

(۱) به پیشنهاد مدعی‌العموم قیم معین می‌شود.

(۲) وصی عهده‌دار امور مولی علیه می‌شود.

(۳) ولی قهری منزّل می‌شود و قیم از خویشان مولی علیه معین می‌شود.

(۴) توسط نماینده ولی قهری اداره می‌شود و در صورتی که نباشد به پیشنهاد مدعی‌العموم دادگاه به طور موقت امین تعیین می‌کند.

۳۸- مرض متصل به موت در حقوق ایران

(۱) از اسباب حجر در تصرفات زاید بر ثلث است.

(۲) از اسباب حجر نیست؛ حتی در مورد اعمال تبرعی منجز

(۳) از اسباب حجر نیست؛ جز در مورد تصرفات تبرعی منجز

(۴) از اسباب حجر نیست؛ جز در مورد تصرفات معلق به فوت

۳۹- کدام عبارت صحیح است؟

(۱) وجود کلیه اشخاص حقوقی، به استثنای مؤسسات دولتی منوط به ثبت است.

(۲) کلیه اشخاص حقوقی بدون ثبت ایجاد می‌شوند، ولی کمال شخصیت آن‌ها منوط به ثبت است.

(۳) وجود اشخاص حقوقی حقوق عمومی منوط به ثبت است ولی وجود اشخاص حقوقی خصوصی نیاز به ثبت دارد.

(۴) وجود اشخاص حقوقی حقوق عمومی و شرکت‌های بازرگانی منوط به ثبت نیست اما وجود مؤسسات خصوصی غیرتجاری به عنوان شخص حقوقی منوط به ثبت است.

۴۰- اگر طرفین معامله برای اجرای تعهدات ناشی از عقد، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود را انتخاب کرده باشند، نسبت به دعاوی راجع به آن معامله

(۱) محل سکونت و مرکز امور شخص متعهد، معتبر است.

(۲) محل انتخاب شده، اقامتگاه محسوب خواهد شد.

(۳) هم‌چنان اقامتگاه حقیقی شخص متعهد، معتبر است.

(۴) محل انتخاب شده و اقامتگاه حقیقی هر دو معتبر است.

۴۱- در صورتی که ولی و قیم، خود محجور شوند و سپس حجر آنان برطرف شود، آیا سمت ولایت یا قیمومت آنان اعاده می‌گردد؟

- (۱) ولایت و قیمومت اعاده می‌شود.
 - (۲) ولایت و قیمومت هیچ‌یک اعاده نمی‌شود.
 - (۳) ولایت اعاده می‌شود ولی قیمومت اعاده نمی‌شود.
 - (۴) قیمومت اعاده می‌شود ولی ولایت، اعاده نمی‌شود.
- ۴۲- اقامتگاه و محل سکونت چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟

- (۱) در مورد اشخاص طبیعی، اقامتگاه محل سکونت و در مورد اشخاص حقوقی اقامتگاه مرکز مهم امور آنان است.
- (۲) محل سکونت غیر از مرکز مهم امور شخص است، اما اقامتگاه مرکز مهم امور است.
- (۳) اقامتگاه مرکز مهم امور است به شرط اینکه محل سکونت نیز باشد.
- (۴) تفاوتی ندارند و به طور مترادف به کار می‌روند.

۴۳- کدام گزینه در خصوص قیم، صحیح نیست؟

- (۱) به محض ورشکستگی قیم عزل می‌شود.
- (۲) به محض محکومیت قیم به حبس، منعزل می‌شود.
- (۳) به محض سفیه شدن، قیم منعزل می‌شود.
- (۴) به محض زوال وصف امانت از قیم، عزل می‌شود.

۴۴- کدام گزینه در خصوص مسئولیت زبان‌های ناشی از عمل محجورین صحیح است؟

- (۱) مسؤول هستند.
 - (۲) مسؤول نیستند.
 - (۳) بسته به نوع حجر، مسئولیت هریک متفاوت است.
 - (۴) مسئولیت آنها منوط به رفع حجر آنهاست.
- ۴۵- ملاک پرداخت حق الزحمه قیم است.

- (۱) میزان کار قیم و درآمد مولی‌علیه
- (۲) توافق طرفین
- (۳) نظر دادگاه
- (۴) اجرت المثل کار یک شخص بدون توجه به درآمد مولی‌علیه

۴۶- اگر زن بر اساس حکم موت فرضی شوهرش طلاق بگیرد و پس از وقوع طلاق، شوهر مراجعت نماید، کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) شوهر نسبت به طلاق صادره، حق رجوع ندارد.
- (۲) اگر قبل از شوهر کردن زنش برگردد، نسبت به طلاق حق رجوع دارد.
- (۳) اگر قبل از انقضای عده برگردد، نسبت به طلاق حق رجوع دارد.
- (۴) در هر صورت، شوهر حق رجوع به طلاق را دارد.

۴۷- کدام مورد مانع از تعیین شخص به عنوان قیم نیست؟

(۱) ورشکستگی به تقصیر (۲) منافیات عفت

(۳) خیانت در امانت (۴) صدور چک بلامحل

۴۸- براساس مقررات قانون مدنی، اطلاع دادن از کدام واقعه به اداره سجل احوال ضروری نیست؟

(۱) نکاح موقت (۲) فوت شخص (۳) ولادت شخص (۴) غیبت شخص

۴۹- آیا قیم می تواند از سمت قیمومت استعفا دهد؟

(۱) قیم حق استعفا ندارد.

(۲) قیم هر وقت بخواهد می تواند استعفا دهد.

(۳) استعفای قیم مستلزم قبول دادگاه است.

(۴) در صورتی که جانشینی برای خود معین کند، حق استعفا دارد.

۵۰- شخص حقوقی از لحاظ اهلیت تمتع چه تفاوتی با شخص طبیعی دارد؟

(۱) دارای حقوقی است که در اساسنامه صریحاً ذکر شده است.

(۲) می تواند حقوقی را که در قانون تصریح شده دارا باشد.

(۳) از کلیه حقوق اشخاص طبیعی، مگر حقوقی که ویژه شخص طبیعی است، برخوردار است.

(۴) شخص حقوقی از لحاظ اهلیت تمتع هیچ گونه تفاوتی با شخص طبیعی ندارد.

۵۱- در چه مورد برای اداره غایب مفقودالاثر نصب امین خواهد شد؟

(۱) در موردی که غایب ورثه ای نداشته باشد.

(۲) در موردی که غایب ولی یا قیم نداشته باشد.

(۳) هنگامی که غایب برای اداره اموال خود وکیل تعیین کرده باشد.

(۴) هنگامی که غایب، شخصی را برای اداره اموال خود تعیین نکرده و کسی هم قانوناً متصدی اموال او نباشد.

۵۲- آیا جنین دارای اهلیت تمتع و استیفاء است؟

(۱) بلی، دارای اهلیت تمتع و استیفاءست.

(۲) فقط دارای اهلیت تمتع است، مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

(۳) فقط دارای اهلیت تمتع است، لیکن دارای اهلیت استیفاء نیست.

(۴) فقط دارای اهلیت استیفاء است، ولی دارای اهلیت تمتع نیست.

۵۳- خانم «الف» به عنوان مهماندار هواپیما در شرکت هواپیمایی «ب» استخدام شده است. در

قرارداد وی شرطی گنجانده شده که برابر آن خانم «الف» تعهد می کند که مجرد باقی بماند. هم چنین

در قرارداد شرط شده است که شرکت هواپیمایی مجاز است تصویر خانم «الف» را برای تبلیغات در

پایگاه اینترنتی شرکت قرار دهد. قرارداد و شروط مندرج در آن چه حکمی دارد؟

(۱) هر دو شرط و قرارداد باطل است.

(۲) هر دو شرط و قرارداد صحیح است.

(۳) قرارداد صحیح و شرط اول باطل و شرط دوم صحیح است.

(۴) هر دو شرط باطل است اما قرارداد صحیح است.

۵۴- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) هرگاه فرزند بخواهد از نام و نام خانوادگی مادر استفاده کند باید از دارنده‌ی حق تقدم اجازه بگیرد.
- (۲) ولایت قهری پدر و جد پدری در طول یکدیگر است و تا زمانی که پدر زنده است نوبت به جد پدری نمی‌رسد.
- (۳) با فوت شخص طبیعی تمام دیون و مطالبات او حال می‌گردد.
- (۴) از آنجا که فرزند نامشروع به پدر طبیعی خود (زانی) ملحق نمی‌شود، پدر طبیعی تکلیفی به انفاق فرزند نامشروع خود ندارد.

۵۵- معیار پرداخت اجرت به قیم چیست؟

- (۱) قرارداد یا دستور دادگاه
- (۲) میزان درآمد مولی‌علیه یا توانایی مالی او
- (۳) اجرت المثل و میزان اشتغال قیم
- (۴) نوع و میزان کار و محل اقامت قیم و میزان عایدی مولی‌علیه

سؤالات مدنی دو

۵۶- اوصاف حق مالکیت عبارتند از:

- (۱) دائمی بودن (۲) انحصاری بودن (۳) مطلق بودن (۴) همه موارد

۵۷- چه اموالی در حکم غیرمنقول است؟

- (۱) بنایی که بر روی زمین احداث می‌شود.
(۲) معدنی که در زمین حفر می‌شود.
(۳) حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده، از نظر صلاحیت محاکم و توقیف اموال
(۴) مطلق اشجار و شاخه‌های آن مادام که بریده نشده یا کنده نشده است.

۵۸- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده است، غیرمنقول است.
(۲) دین ناشی از قرارداد اگر مربوط به مال غیرمنقول باشد غیرمنقول می‌گردد.
(۳) کوچه‌ها حتی اگر بن بست باشند نمی‌توانند ملک خصوصی کسی واقع گردند.
(۴) امروزه در نظام حقوقی ما هیچ معنی برای تملک مباحات به وسیله حيازت وجود ندارد.

۵۹- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود ولی اگر منتقل‌الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.
(۲) مالی را که با انتفاع تلف گردد نمی‌توان به عنوان حق انتفاع به دیگری داد.
(۳) در حبس اعم از عمری و غیره، قبض شرط صحت است.
(۴) منتفع نباید در استفاده از مال موضوع حق انتفاع تعدی و تفریط نماید.

۶۰- مطابق قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حقوق پدید آورنده اثر عبارت از چه

مواردی است؟

- (۱) حق نشر و عرضه
(۲) بهره‌برداری‌های مادی
(۳) حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او
(۴) هیچ‌کدام

۶۱- حبس عین مال و تسبیل منافع آن در قالب کدام عقد صورت می‌گیرد؟

- (۱) رهن (۲) عاریه (۳) قرض (۴) وقف

۶۲- کدام یک از عقود زیر عینی است؟

- (۱) جعاله (۲) بیع (۳) اجاره (۴) وقف

۶۳- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در قبض مال موقوفه فوریت شرط است.
(۲) رجوع از وقف قبل از قبض مال موقوفه امکان ندارد.
(۳) اگر موقوف‌علیهم غیرمحصور باشند یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف، والا حاکم قبض می‌کند.
(۴) وقف، اصولاً جزء عقود محسوب نمی‌گردد.

۶۴- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) در وقف، قبض لازم است.
- (۲) واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند.
- (۳) وقف اموال مشاع جایز نیست.
- (۴) در صحت وقف، منقول بودن یا غیرمنقول بودن مال موقوفه بی‌اثر است.

۶۵- اگر وقف بر موجود و معدوم، معاً واقع گردد کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) نسبت به سهم موجود و معدوم هر دو باطل است.
- (۲) نسبت به سهم موجود صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است.
- (۳) نسبت به سهم موجود باطل و نسبت به سهم معدوم صحیح است.
- (۴) نسبت به سهم هر دو صحیح است.

۶۶- گر شخصی نفقه زوجه خود را از عواید حاصل از مالی قرار دهد که آن را وقف نموده حکم قضیه

چيست؟

- (۱) مورد از مواردی نیست که خللی به صحت وقف وارد نماید حتی اگر وقف بر نفس باشد.
- (۲) مورد از مصادیق وقف بر نفس بوده و باطل است.
- (۳) گرچه وقف بر نفس باطل است ولی این مورد از مصادیق وقف بر نفس نیست.
- (۴) هیچ کدام

۶۷- کدام مورد از مصادیق وقف بر نفس نیست؟

- (۱) پرداخت مخارج روزمره زندگی واقف از عایدات موقوفه
- (۲) ادای دیون واقف از عواید موقوفه
- (۳) ورود واقف در مصادیق موقوف علیهم در وقف بر مصالح عامه
- (۴) تصریح واقف بر این که خود نیز جزء موقوف علیهم خاص می‌باشد.

۶۸- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) وقف بر اولاد و اقوام صحیح نیست.
- (۲) واقف می‌تواند تولیت موقوفه را مادام‌العمر یا برای مدت معین برای خود قرار دهد.
- (۳) تولیت اموال موقوفه فقط به یک نفر باید سپرده شود و چند متولی را نمی‌توان در یک وقف قرار داد.
- (۴) واقف نمی‌تواند شرط کند که متولی تعیین شده از جانب وی حق تعیین متولی دارد.

۶۹- در حالتی که واقف چند متولی تعیین نموده ولی بر نوع آن‌ها و نحوه دخالتشان در امور موقوفه

تصریح نکرده، متولیان باید چگونه رفتار کنند؟

- (۱) به نحو استقلال
- (۲) به نحو اجتماع
- (۳) به ترتیب ذکر شده توسط حاکم
- (۴) واقف باید حتماً نوع را معین کند والا وقف باطل است.

۷۰- اگر یکی از چند متولی تعیین شده توسط واقف فوت کند تکلیف چیست؟

- (۱) اگر مستقل باشند، با فوت هر یک، دیگران به تصرف مستقل خود ادامه می‌دهند.
- (۲) اگر مستقل باشند، با فوت یکی، دیگران نیز از دخالت ممنوع می‌گردند.
- (۳) اگر مستقل باشند، با فوت یکی، باید یک متولی دیگر توسط حاکم تعیین شود تا در کنار بقیه مال موقوفه را اداره کنند.
- (۴) اگر مستقل باشند، با فوت یکی، متولیان دیگر باید شخص دیگری را به جای وی انتخاب کنند تا با هم به اداره مال موقوفه بپردازند.

۷۱- گزینه نادرست را مشخص نمایید؟

- (۱) وقف بر مقاصد غیرمشروع باطل است.
- (۲) وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد بدون هیچ قید و شرطی صحیح است.
- (۳) مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست را نمی‌توان وقف نمود.
- (۴) اگر صرفاً واقف قادر بر اقباض نباشد ولی موقوف‌علیه قادر به اخذ مال موقوفه باشد، وقف صحیح است.

۷۲- در مورد نظارت بر متولی در وقف کدام گزینه نادرست می‌باشد؟

- (۱) ناظر استصوابی ناظری است که اعمال متولی باید به تصویب او برسد.
- (۲) ناظر اطلاعی، ناظری است که اعمال متولی با اطلاع او صورت می‌گیرد.
- (۳) در صورت عدم تعیین نوع نظارت اصل بر استصوابی بودن آن است.
- (۴) فرق ناظر استصوابی با ناظر اطلاعی در داشتن یا نداشتن ابتکار عمل است.

۷۳- کدام گزینه در خصوص حدود اختیارات متولی صحیح است؟

- (۱) در فرض تصریح واقف به یک ترتیب خاص، اگر متولی تشخیص خلاف آن را بدهد باید بر طبق تشخیص خود عمل کند زیرا مهم مصلحت مال موقوفه است.
- (۲) اختیارات وی صرفاً منحصر در جمع‌آوری منافع موقوفه و تقسیم آن میان موقوف‌علیه‌هم است.
- (۳) در فرض عدم تصریح به یک ترتیب خاص توسط واقف، متولی ملزم به هیچ قید و بندی نخواهد بود.
- (۴) در فرض عدم تصریح به یک ترتیب خاص توسط واقف، متولی باید مثل یک وکیل امین عمل نماید و حدود امانت را رعایت کند.

۷۴- در صورتی که منافع موقوفه عامه، مجهول المصرف باشد تکلیف چیست؟

- (۱) وقف باطل خواهد بود.
- (۲) طبق قانون مدنی، منافع آن صرف بریات عمومی خواهد شد.
- (۳) طبق جدیدترین موضع حقوقی ما نسبت به این مسئله، صرف تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌گردد.
- (۴) هر دو گزینه ۲ و ۳ صحیح می‌باشند.

۷۵- کدام گزینه در مورد انزال متولی صحیح است؟

- (۱) وقتی اتفاق می‌افتد که متولی فاقد وصفی گردد که توسط واقف شرط شده است.
- (۲) وقتی اتفاق می‌افتد که متولی مرتکب رفتارهای مجرمانه گردد.
- (۳) وقتی اتفاق می‌افتد که متولی انصراف دهد.
- (۴) انزال متولی هرگز رخ نمی‌دهد.

۷۶- اگر واقف عین موقوفه را هم زمان با ایجاب و قبول به تصرف ندهد، وقف چه وضعی دارد؟

- (۱) وقف محقق نمی شود و هر زمان که به قبض داد وقف تحقق می یابد.
- (۲) وقف واقع نمی شود و هر زمانی که به تصرف داده شود، وقف واقع می شود.
- (۳) فقط در وقف عام عقد واقع نمی شود و هر وقت که قبض انجام گرفت، وقف واقع می شود.
- (۴) در وقف اعم از عام و یا خاص ایجاب و قبول و قبض، جزء ارکان عقد است و باید هم زمان با هم صورت گیرند والا وقف باطل است.

۷۷- موضع قانونگذار مدنی ما در قبال بیع مال موقوفه چیست؟

- (۱) مطلقاً آن را جایز نمی داند.
- (۲) در صورتی که واقف چنین اجازه ای داده باشد، قانون آن را جایز می شمارد.
- (۳) در صورتی که خراب شود یا خوف خرابی آن برود به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد جایز است.
- (۴) در صورتی که خراب شود یا خوف خرابی آن برود به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد و عمران آن متعذر گردد و یا کسی حاضر به عمران آن نشود، آن را جایز شمرده است.

۷۸- اگر واقف برای اعمال متولی، سهمی از منافع موقوفه قرار ندهد چه باید کرد؟

- (۱) وی حقی در دریافت سهم نخواهد داشت و باید بدون اجرت کار کند.
- (۲) حاکم می تواند برای وی سهمی بر حسب صلاحدید خود تعیین کند.
- (۳) وی مستحق اجرت المثل اعمال انجام شده است.
- (۴) در چنین فرضی، وقف صحیح نیست.

۷۹- گزینه نادرست را انتخاب کنید؟

- (۱) واقف نمی تواند در سهم موقوفه علیهم از منافع موقوفه تبعیض قائل گردد.
- (۲) واقف می تواند در وقف عامه خود را داخل در مصادیق موقوفه علیهم نماید.
- (۳) در صورتی که واقف ترتیبی قرار نداده باشد، مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه بر حق موقوفه علیهم مقدم خواهد بود.
- (۴) واقف می تواند از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد.

۸۰- مال موقوفه در ملکیت چه کسی است؟

- (۱) واقف
- (۲) حاکم
- (۳) موقوفه علیهم یا حاکم
- (۴) در ملک شخصی خاصی نیست.

۸۱- اگر خیانت متولی ظاهر شود تکلیف چیست؟

- (۱) حاکم او را عزل می کند.
- (۲) واقف او را عزل می کند.
- (۳) حاکم ضم امین می کند (۴) واقف ضم امین می کند.

۸۲- در چه صورت دادگاه حکم به تعلق مال به متصرف فعلی می دهد؟

- (۱) در صورت اثبات مالکیت سابق متصرف فعلی.
- (۲) در صورتی که متصرف، اقرار به مالکیت سابق مدعی نکند. مدعی نیز از اثبات ادعای خود عاجز باشد
- (۳) در صورتی که مدعی مالکیت بر مالکیت خود شاهد نداشته باشد.
- (۴) در صورتی که مدعی نتواند مالکیت سابق خود را ثابت کند.

۸۳- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) اگر گذاشتن سر تیر بر روی دیوار همسایه با اذن او باشد همسایه دیگر نمی‌تواند از این اذن رجوع کند زیرا باعث اضرار به دیگری می‌شود.
- (۲) حتی اگر گذاشتن سر تیر بر روی دیوار همسایه بدون اذن او باشد هم به دلیل ضرر زیادی که از برداشتن سرتیر حاصل می‌گردد نمی‌توان او را مجبور به برداشتن سرتیر نمود.
- (۳) اگر گذاشتن سرتیر با اذن همسایه باشد وی هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کند.
- (۴) اگر گذاشتن سرتیر با اذن همسایه باشد همسایه می‌تواند از اذن خود رجوع کند مشروط به این که هدف او رفع حاجت یا دفع ضرر باشد.

۸۴- کدام گزینه حريم چاه را به ترتيب برای آب خوردن و زراعت نشان می‌دهد؟

- (۱) ۳۰ گز - ۲۰ گز (۲) هر دو ۳۰ گز (۳) هر دو ۲۰ گز (۴) ۲۰ گز - ۳۰ گز

۸۵- کدام گزینه مبنای حريم را به درستی معرفی می‌کند؟

- (۱) کمال انتفاع (۲) دفع ضرر (۳) هیچ کدام (۴) ۱ و ۲

۸۶- کدام گزینه در مورد تحجير صحيح نیست؟

- (۱) این اصطلاح در احیاء اراضی به کار می‌رود.
- (۲) حق تحجير از انواع حقوق عینی است.
- (۳) اعمالی که در خود احیاء مؤثر نیست و تنها نشانه اختصاص است در صورتی تحجير محسوب می‌شود که احیای اصلی را به دنبال داشته باشد.
- (۴) تحجير، وقتی محقق می‌گردد، ایجاد مالکیت می‌کند.

۸۷- کدام گزینه صحيح است؟

- (۱) احیاء موات نیازمند قصد تملک است و اگر بدون آن باشد موجب ایجاد مالکیت نمی‌گردد.
- (۲) مقصود از حيازت همان تحجير است.
- (۳) احیاء اطراف یک زمین موجب تملک وسط آن نمی‌گردد.
- (۴) اولین راه حل در رفع نزاع میان مالکین دو طرف یک نهر بر سر آب، در صورتی که تقدم حق یکی بر دیگری مشخص نشود، قرعه خواهد بود.

۸۸- در مورد ماده ۱۳۲ ق.م که مقرر می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی نماید که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد» کدام گزینه صحيح نیست؟

- (۱) در مقام اجرای حق ممکن نیست شخص مرتکب تقصیر گردد.
- (۲) تصرف زیانبار در صورتی مجاز است که دو شرط مربوط به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر بودن را با هم داشته باشد.
- (۳) تجاوز از حکم ماده موجب مسئولیت مدنی خواهد بود.
- (۴) دادگاه می‌تواند مالک را از ادامه تصرفی که مطابق این ماده غیرمجاز باشد، باز بدارد.

۱- گزینه «۳»

ماده ۹۵۷ ق.م.مقرر داشته: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.»
نکته ۱: در مورد اهلیت تمتع اصل بر دارا بودن آن است و در مورد اهلیت استیفا اصل بر عدم آن می‌باشد.

۲- گزینه «۳»

زیرا بلوغ یک پدیده جسمانی است درحالی‌که رشد مربوط به یک ملکه نفسانی جهت اداره صحیح اموال است. و چه بسا افراد بالغی که در اداره اموال خود به نحو صحیح عاجزند.

۳- گزینه «۴»

زیرا این اهلیت است که نتیجه وضعیت می‌باشد. به‌طور مثال صِغَر یک وضعیت است که نتیجه آن عدم اهلیت خواهد بود.

در مورد سایر گزینه‌ها ر.ک (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۹۵۶)

۴- گزینه «۴»

نکته ۲: گرچه در ماده ۵۸۸ ق.ت.آمده است که: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت و بنوت و امثال ذلک.» لکن باید توجه داشت که این ماده نافی اختیارات اشخاص حقیقی در محدود کردن اختیارات اشخاص حقوقی به وسیله قرارداد نیست. پس اگر مؤسسين شرکت به‌طور مثال در اساسنامه شرکت، اختیارات آن را فقط محدود به فعالیتهای تولیدی نمایند، این شرکت اهلیت ورود به عرصه‌های دیگر را ندارد.

۵- گزینه «۳»

با توجه به ماده ۹۵۷ ق.م و با عنایت به اینکه در فرض سؤال جنین زنده متولد شده، نماینده قانونی او قبل از کسب اهلیت لازم توسط طفل و یا خود طفل بعد از کسب این اهلیت قادر به مطالبه خسارت هستند. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم ش ۳۷)

۶- گزینه «۱»

ماده ۹۹۹ ق.م.مقرر نموده: «سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.»

۷- گزینه «۱»

ماده ۱۱۹۴ ق.م: «پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود.»

نکته ۳: مفهوم ولی قهری با ولی خاص متفاوت است. ولی قهری عبارتست از پدر و جد پدری ولی همان‌طور که دیدیم منظور از ولی خاص می‌تواند وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری نیز باشد.

۸- گزینه «۲»

هرگاه پدر و مادر طفل نامعلوم باشند، نام خانوادگی فرضی به طفل داده می‌شود (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۹۹۷ بند ۳)

علت نادرستی گزینه «۱»: اگر اشتباه قبل از امضای سند باشد، مأمور آن را برطرف نموده و در حاشیه سند مراتب را قید می‌کند و آن را امضا می‌نماید.

علت نادرستی گزینه «۳»:

نکته ۴: هرگاه فرزندان قصد استفاده از نام خانوادگی مادر را داشته باشند مانند سایر نامهای خانوادگی غیر از نام خانوادگی پدری، باید از دارنده حق تقدم اجازه بگیرند.

علت نادرستی گزینه «۴»:

نکته ۵: عدم الحاق زن‌زاده به پدر طبیعی خود فقط ناظر به ارث می‌باشد.

۹- گزینه «۴»

قیم با توجه به ماده ۱۲۳۹ ق.م که مقرر داشته: «هرگاه معلوم شود که قیم عامداً مالی را که متعلق به مولی‌علیه بوده جزء صورت دارایی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزبور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است به مولی‌علیه وارد شود به علاوه در صورتی که عمل مزبور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد.» تحت شرایطی قابل عزل است. ولی قهری نیز با توجه به ماده ۱۱۸۴ ق.م که مقرر داشته: «هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید.....» با جمع شرایط مذکور در این ماده قابل عزل است.

۱۰- گزینه «۳»

ماده ۱۱۰ ق.ا.ح مقرر می‌دارد: «در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند»

۱۱- گزینه «۳»

زیرا طبق ملاک ماده ۱۵۰ ق.ا.ح که بیان داشته: «در موردی که اموال غایب به تصرف ورثه یا امین داده شده باشد دادگاه می‌تواند حق الزحمه متناسبی از درآمد اموال برای ورثه یا امین معین نماید. هزینه حفظ و اداره اموال غایب از اموال غایب برداشته می‌شود» باید در صورتی که اموال غایب درآمدی داشته باشند ابتدا از محل آن اموال نفقه اشخاص واجب النفقه وی را پرداخت.

۱۲- گزینه «۴»

نکته ۶: اعمال حقوقی پیشین ولی قهری بعد از زوال حجر مولی علیه نیز نافذ است و مولی علیه حق بر هم زدن آن را ندارد مگر عدم رعایت مصلحت خویش از جانب ولی خود را ثابت کند پس اگر در اثناء عقد اجاره که از جانب ولی برای مولی علیه بسته شده است، وی از حجر خارج گردد اجاره نافذ است و نیاز به تنفیذ کسی ندارد. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۱۱۸۳ بند ۴) در واقع گزینه «۱» نیز صحیح است چرا که با توجه به مطالب بالا دیدیم که عقد صحیح است ولی با توجه به اینکه در صورت اثبات عدم رعایت مصلحت از جانب ولی، عقد قابل فسخ توسط مولی علیه می گردد لذا گزینه «۴» کاملترین و صحیح ترین پاسخ است.

۱۳- گزینه «۳»

ماده ۱۲۲۲ ق.م: «در هر موردی که دادستان به نحوی از انحاء به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می داند به آن دادگاه معرفی کند. دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می کند و نیز دادگاه مذکور می تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را تعیین کند. اگر دادگاه مدنی خاص اشخاصی را که معرفی شده اند معتمد ندید اشخاص دیگری را از داسرا خواهد خواست.» از طرفی ماده ۱۲۳۴ ق.م مقرر داشته: «در صورتی که محکمه بیش از یک نفر را برای قیمومت معین کند می تواند وظایف آنها را تفکیک نماید»

نکته ۷: با توجه به دو ماده مذکور متوجه می شویم که دادگاه می تواند یک یا چند ناظر بر قیم نصب کند و لازم است حدود اختیارات آنها را معین کند همچنین دادگاه می تواند در صورت لزوم چند قیم نصب کند اما در این حالت دیگر لازم نیست که حدود اختیارات آنها را معین کند بلکه این مورد از اختیارات دادگاه است.

۱۴- گزینه «۴»

ماده ۱۱۷۰ ق.م مقرر داشته: «اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.»

نکته ۸: با توجه به ماده مذکور، ازدواج می تواند منجر به از دست رفتن حق حضانت زن نسبت به اولاد گردد اما به موجب ماده ۱۲۵۱ ق.م که مقرر نموده: «هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در این صورت دادستان یا نماینده او می تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند» ازدواج زنی که به عنوان قیم تعیین شده است می تواند در صورت صلاحدید دادستان منجر به عزل وی یا ضم ناظر و ابقای وی در سمتش گردد پس اینطور نیست که حتماً با ازدواج چنین زنی، سمت قیمومت او زائل گردد.

۱۵- گزینه «۳»

ماده ۴۲ ق.ث.ا مقرر داشته: «زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود.»

البته توجه شود که در این صورت عدم اعتراض زوج به استفاده از نام خانوادگی‌اش توسط زوجه وی پس از طلاق، اجازه ضمنی محسوب می‌شود! (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۹۹۸ بند ۵)

۱۶- گزینه «۱»

زیرا ازدواج در یک مدت معین می‌تواند مصادیق متعددی را داشته باشد و به ازدواج نکردن با یک شخص معین مربوط نمی‌شود. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت چاپ شانزدهم، ش ۲۱)

۱۷- گزینه «۲»

نکته ۹: اهلیت در معنای عام، عبارت از توانایی و شایستگی دارا شدن حق و تکلیف است (اهلیت تمتع) و در معنای خاص، عبارت از توانایی و شایستگی برای اجرای حق است (اهلیت استیفا) که در حد کمال با داشتن عقل و بلوغ و رشد فراهم می‌آید. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۹۵۶ بند ۱)

۱۸- گزینه «۳» و «۴»

هر گاه زن پس از نکاح به خانه شوهر نرود اقامتگاه وی جدا از اقامتگاه شوهر محسوب است و اقامتگاه خود را دارد که بسته به اینکه مرکز مهم امور وی در محل کار یا سکونتش باشد، تعیین خواهد شد. البته اگر شوهر عدم رضایت خود را به ماندن زن در جایی غیر از خانه شوهر به وی اعلام نموده و زن بدون اینکه حق تعیین مسکن داشته باشد به اقامت خود در جایی غیر از خانه شوهر ادامه دهد ناشزه محسوب می‌گردد. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم ش ۱۰۹) و در این صورت ممکن است حتی گزینه‌های دیگر نیز حسب مورد صحیح باشند.

نکته ۱۰: اقامتگاه زن ناشزه اقامتگاه شوهر محسوب است. (همان منبع ش ۱۰۸)

۱۹- گزینه «۳»

نکته ۱۱: با توجه به اینکه تملیک بلاعوض جز ضرر مادی هیچ چیزی برای محجورین در بر ندارد لذا با توجه به لزوم حمایت از محجورین باید آن را باطل دانست. البته اگر این تملیک فرضاً به صورت دادن هدیه باشد که برای محجور می‌تواند در کنار ضرر مادی، نفع معنوی داشته باشد، آنگاه صحیح خواهد بود لذا با توجه به قید «بعضاً» مذکور در گزینه «۳» آن را به عنوان گزینه صحیح انتخاب نمودیم.

۲۰- گزینه «۱»

بر اساس ماده واحده قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص صدور حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم صالح: «درج آگهی مطابق مواد (۱۰۲۳) قانون

مدنی و (۱۵۵) قانون امور حسبی در مورد صدور حکم موت فرضی کسانی که در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مفقودالاثر شده‌اند ضرورت ندارد و گواهی صادر شده توسط عالی‌ترین مقام اجرایی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، برای مرجع رسیدگی‌کننده به تقاضای صدور حکم موت فرضی، کافی می‌باشد»

۲۱- گزینه «۴»

در مورد گزینه‌های ۱ و ۳ با نوعی حجر حمایتی مواجهیم منتها در مورد سفیه، علت، حمایت از خود سفیه است در حالیکه در رابطه با ورشکسته، هدف حمایت از طلبکاران اوست. در این رابطه همچنین ر.ک مواد ۱۲۶۳ و ۱۲۶۴ ق.م

در مورد گزینه «۲» نیز متن ماده ۱۲۶۸ ق.م بیان داشته: «اقرار معلق مؤثر نیست»

۲۲- گزینه «۲»

پدر طبیعی مکلف به گرفتن شناسنامه برای فرزند طبیعی خود است و نام خانوادگی وی به طفل داده خواهد شد و عدم الحاق طفل به پدر طبیعی خود مستندا به رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ صرفاً منحصر به مورد ارث خواهد بود. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۹۹۷ بند ۴)

متن رأی مذکور بدین شرح است: «به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوبن طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه **کلیه تکالیف** مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه برعهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است»

۲۳- گزینه «۲»

ماده ۱۱۸۴ ق.م مقرر داشته: «هر گاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌نماید.....»

۲۴- گزینه «۴»

نکته ۱۲: اهلیت ایرانیان غیر شیعه برای انعقاد معامله، تابع قانون مدنی است. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۶ بند ۵)

۲۵- گزینه «۱»

ماده ۱۲۴۲ ق.م مقرر می‌دارد: «قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی‌علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم» همانطور که ملاحظه می‌کنید ماده مذکور نسبت به موضوع اطلاق دارد و از این حیث تفاوتی نمی‌کند که غبطه مولی‌علیه رعایت شده باشد یا نه.

۲۶- گزینه «۴»

نکته ۱۳: حکم عزل قیم دارای جنبه تأسیسی بوده و یک وضعیت جدید را ایجاد می‌کند اما اعمالی که وی تا پیش از رسیدن خبر عزل به وی انجام داده نافذ خواهد بود. (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ سی‌وپنجم ماده ۱۲۵۰)

در رابطه با گزینه «۱» ر.ک ماده ۱۲۴۲ ق.م و در مورد گزینه «۲» نیز توجه شود که حیطة اختیارات و صلاحیت قیم عام است و اگر در وجود اختیاری خاص برای او تردید داشته باشیم، اصل بر وجود چنین اختیاری خواهد بود. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۱۲۳۵ بند ۱)

۲۷- گزینه «۲»

ماده ۱۲۳۸ ق.م: «قیمی که تقصیر در حفظ مال مولی‌علیه بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف آن مال حاصل شده اگر چه نقصان یا تلف مستند به تفریط یا تعدی قیم نباشد» از طرفی به نظر می‌رسد که قیم مکلف به رعایت وظایف قانونی است و در صورتی که علی‌رغم رعایت مواد قانونی مربوطه، باز هم عمل حقوقی قیم به ضرر مولی‌علیه تمام شود، موجبی برای باطل یا غیر نافذ دانستن آنها نیست. البته توجه شود که در نظر داشتن ماده ۱۲۴۱ ق.م قیم مکلف به رعایت غبطه مولی‌علیه نیز می‌باشد و شاید بهتر باشد که این‌طور بگوییم که اساساً رعایت غبطه نیز یکی از وظایف قانونی قیم است.

۲۸- گزینه «۳»

در گزینه‌های ۱ و ۲ با دو حکم مواجهیم نه حق لذا امکان اسقاط یا سلب آنها وجود ندارد. در گزینه «۴» نیز گرچه منظور از زوجیت واضح نیست ولی به نظر می‌رسد حق ازدواج باشد از آنجا که ازدواج در یک مدت معین می‌تواند مصادیق متعددی را داشته باشد و به ازدواج نکردن با یک شخص معین مربوط نمی‌شود. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت چاپ شانزدهم، ش ۲۱) لذا سلب آن ولو به صورت جزئی باطل است. در مورد گزینه «۳» به عنوان پاسخ سوال نیز لازم به ذکر است باید در چنین مواردی عدم کلی بودن سلب حق و نیز عدم مخالفت آن با نظم عمومی احراز گردد.

۲۹- گزینه «۴»

ماده ۹۵۸ ق.م: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود.....»
ماده ۹۶۱ ق.م نیز مؤید صحت قسمت دوم این گزینه است چرا که بیان داشته: «جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱- در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

۳- در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.»

۳۰- گزینه «۲»

ر.ک نکته ۵ و جواب سوال ۲۲

۳۱- گزینه «۳»

ر.ک ماده ۱۱۳۷ ق.م. توجه شود که به لحاظ عدم احتساب رشد جزء شرایط صحت طلاق، شخص سفیه می‌تواند همسر خود را طلاق دهد و این موضوع یک امر مالی نیست تا نیاز به رشد داشته باشد.

۳۲- گزینه «۴»

آنچه که برای پاسخگویی به این سؤال باید به آن توجه داشت، تفاوت میان اهلیت تملک و اهلیت تصرف است. اشخاص تا قبل از احراز رشد حق دخل و تصرف در اموال خود را ندارند اما این به معنای عدم اهلیت تملک از ناحیه این اشخاص نخواهد بود. توجه به ماده ۸۵۰ ق.م نیز این نکته را روشن می‌سازد. با این توضیح ایراد گزینه «۲» نیز مشخص می‌گردد. در مورد گزینه «۱» نیز به مواد ۸۵۰ و ۶۹ ق.م توجه نمایید. در مورد گزینه «۳» نیز به لحاظ اینکه وصیت تملیکی نیاز به قبول موصی له دارد، با فوت او ایجاب از درجه اعتبار ساقط شده و بالتبع وصیت نیز باطل خواهد بود.

۳۳- گزینه «۳»

بر اساس ماده ۱۵۳ ق.ا.ج ورثه غایب، وصی و موصی له می‌توانند درخواست صدور حکم موت فرضی را نمایند. البته ایرادی که می‌توان بر این سؤال وارد دانست این است که اشخاص واجب‌النفقه عمدتاً همان وراثت شخص هستند و ذکر این اشخاص در گزینه «۱» قدری باعث ابهام و شبهه در سؤال می‌گردد و چه بسا بتوان گفت این گزینه نیز صحیح است.

۳۴- گزینه «۳»

ماده ۱۰۲۹ ق.م: «هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می‌دهد»

ماده ۱۰۲۳ نیز مقرر داشته: «در مورد مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ محکمه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در یکی از جراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران اعلانی در سه دفعه متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع محکمه برسانند. هر گاه یک سال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.»

البته این تصور ایجاد نشود که باید برای انحلال نکاح غایب مفقودالاثر حتماً حکم موت فرضی او صادر شود بلکه در مقام تشریفات که بعد از گذر ۴ سال از غیبت غایب مفقودالاثر لازم است انجام شود تا بتوان حکم به انحلال نکاح زوجه او صادر نمود، به جای تکرار عبارات ماده ۱۰۲۳ به آن ارجاع داده شده است.

۳۵- گزینه «۱»

ماده ۱۵۳ ق.ا.ح مقرر داشته: «اشخاص زیر می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غایب را بنمایند:

۱ - ورثه غایب

۲ - وصی و موصی‌له»

۳۶- گزینه «۱»

ر.ک جواب سوال ۲۲

۳۷- گزینه «۴»

ماده ۱۱۸۷ ق.م: «هر گاه ولی قهری منحصر به واسطه غیبت یا حبس یا به هر علتی نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد.»

نکته ۱۴: امین موقت هنگامی تعیین می‌شود که مانعی موقت مانند حبس، ولی قهری منحصر را از انجام امور مولی‌علیه باز بدارد. در چنین حالتی امین موقت جایگزین ولی قهری می‌گردد و به تنهایی اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید اما پس از رفع مانع وی سمت خود را از دست می‌دهد و ولی قهری مجدداً اداره امور مولی‌علیه را به عهده می‌گیرد. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست-ویکم، ماده ۱۱۸۷ بند ۱)

۳۸- گزینه «۲»

نکته ۱۵: با توجه به اینکه در نظام حقوقی ما هیچ نص قانونی به صورت صراحتاً یا ضمنی به مرض متصل به موت به عنوان یکی از اسباب حجر اشاره نکرده، لذا باید گفت این مورد از اسباب حجر نیست و اختلافات میان علمای حقوق در این مورد را نباید مؤثر در مقام دانست.

۳۹- گزینه «۴»

با توجه به ماده ۵۸۳ ق.ت که مقرر داشته: «کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.» کلیه شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند و در این ماده اشاره‌ای به لزوم ثبت برای دارا شدن شخصیت حقوقی نشده است. از طرفی با توجه به مواد ۵۸۴ و ۵۸۷ قانون مذکور، مؤسسات خصوصی غیر تجارتی برای دارا بودن شخصیت حقوقی نیازمند ثبت هستند بر خلاف مؤسسات و تشکیلات بلدی و دولتی.

۴۰- گزینه «۲»

ماده ۱۰۱۰ ق.م: «اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.»

۴۱- گزینه «۳»

نکته ۱۶: ولایت قهری همان گونه که از نامش پیداست برای ایجاد و اثرگذاری نیازمند دخالت هیچ مرجعی نمی باشد لذا چنانچه مانع ایجاد شده در راه آن برداشته شود، مجدداً به صورت قهری برمی گردد اما در مورد قیمومت از آنجا که اصل این موضوع به وسیله یک مرجع تأسیس می شود، لذا بعد از رفع مانع، برای اثرگذاری و ایجاد دوباره نیازمند اقدامات مراجع مذکور می باشد به صورت قهری و بدون نیاز به دخالت کسی بر نمی گردد.

۴۲- گزینه «۲»

ماده ۱۰۰۲ ق.م: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.»

نکته ۱۷: محل سکونت غیر از مرکز مهم امور شخص است اما اقامتگاه همان مرکز مهم امور شخص است. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۱۰۰۲ بند ۱)

۴۳- گزینه «۲»

بند ۳ ماده ۱۲۴۸ ق.م در مقام بیان یکی از مواردی که قیم عزل می گردد آورده است: «اگر قیم به علتی محکوم به حبس شود و بدین جهت نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند.»

نکته ۱۸: برای حکم به عزل قیم در اثر حبس شدن، صرف حبس وی کافی نیست بلکه باید شرایط به گونه ای باشد که قیم در اثر حبس شدن نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند و اگر شرایط طوری پیش رود که قیم علی رغم محبوس شدن بتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند با توجه به نص ماده مذکور و نیز با توجه به اینکه نیاز مولی علیه به قیم صرفاً برای اداره امور مالی است و نیاز عاطفی در بین نیست تا حضور وی در کنار مولی علیه را لازم بدانیم، می توان وی را عزل نمود.

۴۴- گزینه «۱»

ماده ۱۲۱۶ ق.م مقرر داشته: «هر گاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است» با توجه به متن ماده مذکور و نیز آنچه در متن سؤال آمده به نظر می رسد قید عبارت «ناشی از عمل مجبورین» به نوعی به همین «باعث ضرر شدن» مذکور در ماده اشاره دارد. از طرفی می دانیم شرط تقصیر در مسئولیت مدنی مفهومی نوعی است لذا حتی در مورد مجبورین نیز باید اعمال و رفتار آنها را با معیارهای یک انسان متعارف در شرایط عادی و غیر مجبور سنجید که در این صورت می توان قائل به تحقق مسئولیت برای آنها نیز شد. (صفائی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و مجبورین، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم ش ۲۲۹)

۴۵- گزینه «۱»

ماده ۱۲۴۶ ق.م: «قیم می تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی علیه تعیین می گردد.»

۴۶- گزینه «۳»

ماده ۱۰۳۰ ق.م: «اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد.»
برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که نکاح پس از صدور حکم فوت فرضی منحل می‌گردد ولی با اثبات زنده بودن غایب مفقودالاثر، زوجه همچنان در قید زوجیت باقیست مگر اینکه پس از صدور حکم موت فرضی و سپری شدن عده وفات ازدواج جدید کرده باشد و آن وقت زنده بودن زوج ثابت گردد که دیگر در این صورت رابطه ازدواج میان غایب و زوجه‌اش بر نخواهد گشت. اما در نقطه مقابل عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که نکاح با صدور حکم موت فرضی منحل نمی‌گردد. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم ش ۷۱) که دیدگاه اول منطقی به نظر می‌رسد.

۴۷- گزینه «۴»

بند ۲ ماده ۱۲۳۱ ق.م در مقام بیان افرادی که نباید به عنوان قیم انتخاب شوند آورده است: «کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال - ورشکستگی به تقصیر.»

۴۸- گزینه «۴»

ماده ۹۹۳ ق.م: «امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقرر است به دایره سجل احوال اطلاع داده شود:
۱- ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.
۲- ازدواج اعم از دائم و منقطع.
۳- طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت.
۴- وفات هر شخص.»

ملاحظه می‌فرمائید که در این ماده نامی از غیبت شخص برده نشده است.

۴۹- گزینه «۳»

زیرا قیمومت نوعی نمایندگی است و قیم به حکم دادگاه به عنوان نماینده محجور نصب می‌شود. بنابراین استعفای قیم نیز به قبول دادگاه نیاز دارد. (صفائی، سید حسین و قاسم‌زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ شانزدهم ش ۳۲۰)

۵۰- گزینه «۳»

ماده ۵۸۸ ق.ت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذالک.»

۵۱- گزینه «۴»

ماده ۱۰۱۲ ق.م: «اگر غایب مفقودالثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او یک نفر امین معین می‌کند. تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی‌العموم و اشخاص ذی‌نفع در این امر قبول می‌شود.»

۵۲- گزینه «۳»

با توجه به مواد ۹۵۶ و ۹۵۷ ق.م اصل بر دارا بودن اهلیت تمتع است و مبدأ آن لحظه تولد طفل به صورت زنده است. لکن در مورد اهلیت استیفا و این که اصل بر عدم آن است و با توجه به مفهوم اهلیت استیفا که ناظر بر اعمال حقوقی است، مشخصاً جنین فاقد چنین اهلیتی است.

۵۳- گزینه «۳»

شرط اول که بر اساس آن در واقع خانم «الف» از خود حق ازدواج را سلب نموده مصادیقی از سلب حق به‌طور کلی است که در ماده ۹۵۹ ق.م به شرح آتی ممنوع گشته است. ماده ۹۵۹ ق.م: «هیچکس نمی‌تواند به‌طور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.» لذا این شرط باطل است.

اما شرط دوم هیچ مخالفتی با اخلاق حسنه و نظم عمومی یا موازین شرعی ندارد و از مصادیق شروط باطل در قانون نمی‌باشد، لذا صحیح است.

در مورد قرارداد مذکور نیز لازم به ذکر است که با توجه به اینکه شرط اول صرفاً باطل است ولی مبطل عقد نیست (شروط باطل و مبطل در ماده ۲۳۳ ق.م احصا شده که مورد سؤال داخل در آنها نیست) پس قرارداد صحیح است.

۵۴- گزینه «۱»

زیرا نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر است و برای استفاده از نام خانوادگی غیر از آن باید از دارنده حق تقدم اجازه بگیرد و در این مورد میان مادر و دیگران هیچ فرقی نیست.

علت نادرستی گزینه «۲»: ماده ۱۱۸۱ ق.م مقرر نموده: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.»

در واقع ولایت قهری منحصر به پدر و جد پدری است که هر کدام در آن دارای استقلال هستند. (همان منبع، ماده ۱۱۸۱ بند ۳)

علت نادرستی گزینه «۳»: با فوت شخص فقط دیون وی حال می‌گردد و تأثیری در مطالبات وی از دیگران ندارد. ماده ۲۳۱ ق.ا.ح: «دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود»

در مورد علت نادرستی گزینه «۴» نیز ر.ک (همان منبع، ماده ۹۹۷ بند ۶)

۵۵- گزینه «۴»

ماده ۱۲۴۶ ق.م: «قیم می‌تواند برای انجام امر قیمومت مطالبه اجرت کند میزان اجرت مزبور با رعایت کار قیم و مقدار اشتغالی که از امر قیمومت برای او حاصل می‌شود و محلی که قیم در آنجا اقامت دارد و میزان عایدی مولی‌علیه تعیین می‌گردد»

۵۶- گزینه «۴»

۵۷- گزینه «۳»

ماده ۱۷ ق.م: «حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.»

نکته ۱۹: توجه شود که اموال نامبرده شده در ماده ۱۷ مذکور و نیز سایر اموال مشابه، همان طور که ماده مذکور اشاره دارد صرفاً از باب صلاحیت محاکم و توقیف اموال، در حکم غیرمنقول اند و این بنا بر مصالح خاصی است که مدنظر قانون گذار بوده است. پس از سایر جنبه ها، این اموال، منقول محسوب می گردند.

۵۸- گزینه «۱»

ماده ۱۵ ق.م: «ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است غیرمنقول است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد تنها آن قسمت منقول است.»

نکته ۲۰: کوچه های بن بست ملک مشترک یا اختصاصی اشخاص است و داخل در اموال عمومی نیست. (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ سی و پنجم ماده ۲۴)

۵۹- گزینه «۲»

ماده ۴۶ ق.م: «حق انتفاع ممکن است فقط نسبت به مالی برقرار شود که استفاده از آن با بقاء عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیرمنقول و مشاع باشد یا مفروز»

۶۰- گزینه «۳»

ماده ۳ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بیان داشته: «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.»

۶۱- گزینه «۴»

ماده ۵۵ ق.م: «وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.»

۶۲- گزینه «۴»

زیرا در ماده ۵۹ ق.م به لزوم قبض برای صحت وقف اشاره شده است. ماده ۵۹ ق.م: «اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می کند.»

۶۳- گزینه «۳»

ماده ۶۲ ق.م: «در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آنها قبض می کنند و قبض طبقه اولی کافی است و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف والا حاکم قبض می کند.»

علت نادرستی گزینه «۱» و گزینه «۲»: ماده ۶۰ ق.م.مقرر می‌دارد: «در قبض فوریت شرط نیست بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام می‌شود.» متن ماده نشان می‌دهد که قبل از قبض مال موقوفه، امکان رجوع واقف از وقف هست.

علت نادرستی گزینه «۴»: ماده ۵۶ ق.م. بیان نموده: «وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف‌علیهم یا قائم‌مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند.....» لذا وقف یک عقد است.

۶۴- گزینه «۳»

ماده ۵۸ ق.م: «فقط وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروز.»

۶۵- گزینه «۲»

ماده ۷۰ ق.م: «اگر وقف بر موجود و معدوم معاً واقع شود نسبت به سهم موجود صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است.»

۶۶- گزینه «۲»

زیرا نفقه زوجه جزء هزینه‌هایی است که زوج در زندگی خود باید متحمل گردد و لذا قرارداد این مورد جزء مواردی که عواید مال موقوفه باید در آن صرف شود، از مصادیق وقف بر نفس بوده و باطل است.

ماده ۷۲ ق.م: «وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف‌علیه یا جزء موقوف‌علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد باطل است اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت.»

۶۷- گزینه «۳»

ماده ۷۲ ق.م: «وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف‌علیه یا جزء موقوف‌علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع موقوفه قرار دهد باطل است اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا بعد از فوت.»

ماده ۷۴ ق.م: «در وقف بر مصالح عامه اگر خود واقف نیز مصداق موقوف‌علیهم واقع شود می‌تواند منتفع گردد.»

۶۸- گزینه «۲»

علت نادرستی گزینه «۱» ماده ۷۳ ق.م. بیان داشته: «وقف بر اولاد و اقوام و خدمه و واردین و امثال آنها صحیح است.»

علت نادرستی گزینه «۳» و گزینه «۴» ماده ۷۵ ق.م. است که مقرر می‌دارد: «واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام الحیوه یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می‌تواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود واقف اداره کند. تولیت اموال موقوفه ممکن است به یک یا چند نفر دیگر غیر از خود واقف واگذار شود که هر یک مستقلاً یا منضماً اداره کنند و همچنین واقف می‌تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده است نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را که مقتضی بداند قرار دهد.»

۶۹- گزینه «۲»

نکته ۲۱: در صورت عدم تصریح واقف به اینکه متولیان باید به ترتیب ذکر شده توسط وی باید اقدام به تصرف و نمایند، هیچ دلیلی بر این نوع تصرف نیست و حتی به صورت ضمنی نیز اراده‌ای با این مضمون از سکوت واقف برداشت نمی‌گردد.

در مورد گزینه «۴» نیز باید گفت که موارد بطلان عقد وقف در قانون مشخص است و عدم تصریح به نحوه دخالت متولیان جزء این موارد نیست.

نکته ۲۲: در صورت عدم تصریح واقف به نوع دخالت متولیان (اجتماع، استقلال یا ترتیب) متولیان باید به نحو اجتماع موقوفه را اداره نمایند (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۷۵ بند ۲) به نظر می‌رسد که در این حالت مصلحت موقوفه بیش از حالت استقلال متولیان در اداره رعایت می‌گردد چرا که در حالت استقلال، امکان تعارض میان اراده متولیان مستقل و ایجاد اختلال در امور وجود دارد.

۷۰- گزینه «۱»

ماده ۷۷ ق.م: «هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر به‌طور استقلال تولیت قرار داده باشد هر یک از آنها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف می‌کنند و اگر به نحو اجتماع قرار داده باشد تصرف هر یک بدون تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقیمانده است می‌نماید که مجتمعاً تصرف کنند.»

۷۱- گزینه «۲»

ماده ۶۵ ق.م: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه دیان است.» در مورد گزینه «۱»: ماده ۶۶ ق.م مقرر می‌دارد: «وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.» در رابطه با گزینه «۳» و گزینه «۴»: ماده ۶۷ ق.م مقرر داشته: «مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است لیکن اگر واقف تنها قادر بر اخذ و اقباض آن نباشد و موقوف‌علیه قادر به اخذ آن باشد صحیح است.»

۷۲- گزینه «۳»

ماده ۷۸ ق.م: «واقف می‌تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب او باشد.» **نکته ۲۳:** در فرض سکوت واقف در تعیین نوع نظارت، اصل بر اطلاعی بودن آن است. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۷۸ بند ۳)

۷۳- گزینه «۴»

ماده ۸۲ ق.م: «هرگاه واقف برای اداره کردن موقوفه ترتیب خاصی معین کرده باشد متولی باید به همان ترتیب رفتار کند و اگر ترتیبی قرار نداده باشد متولی باید راجع به تعمیر و اجاره و جمع‌آوری منافع و تقسیم آن بر مستحقین و حفظ موقوفه و غیره مثل وکیل امینی عمل نماید.»

۷۴- گزینه «۴»

نکته ۲۴: طبق ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه که مقرر داشته: «درآمد موقوفات مجهول المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می باشد زیر نظر سازمان به مصرف می رسد.» گزینه «۳» صحیح است.

ولی طبق بند ۱ ماده ۹۱ ق.م که بیان داشته: «در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومیه خواهد شد:

۱- در صورتی که منافع موقوفه مجهول المصرف باشد مگر اینکه قدر متیقنی در بین باشد.....»
گزینه «۲» درست است لذا در سؤالات همواره باید توجه گردد که از کدام قانون سؤال شده است. البته می توان ادعا کرد که طبق ماده ۸ قانون اوقاف، بند ۱ ماده ۹۱ ق.م نسخ ضمنی شده است. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، بند ۲ ماده ۹۱)

۷۵- گزینه «۱»

ماده ۸۰ ق.م: «اگر واقف وصف مخصوصی را در شخص متولی شرط کرده باشد و متولی فاقد آن وصف گردد منعزل می شود.»

۷۶- گزینه «۱»

ر.ک مواد ۵۶ و ۵۹ ق.م

۷۷- گزینه «۴»

ماده ۸۸ ق.م: «بیع وقف در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود.»

۷۸- گزینه «۳»

ماده ۸۴ ق.م: «جایز است واقف از منافع موقوفه سهمی برای عمل متولی قرار دهد و اگر حق التولیه معین نشده باشد متولی مستحق اجرت المثل عمل است.»

۷۹- گزینه «۱»

ماده ۸۷ ق.م: «واقف می تواند شرط کند که منافع موقوفه مابین موقوف علیهم به تساوی تقسیم شود یا به تفاوت و یا اینکه اختیار به متولی یا شخص دیگری بدهد که هر نحو مصلحت بداند تقسیم کند.»

۸۰- گزینه «۴»

نکته ۲۵: همان گونه که از تعریف وقف برمی آید عقد وقف حبس عین و تسبیل منافع است لذا عین مال موقوفه، پس از تحقق وقف دیگر در ملکیت کسی نیست.

۸۱- گزینه «۳»

نکته ۲۶: متولی قابل عزل نیست مگر اینکه حق عزل ابتدائاً شرط شده باشد و در صورتی که مرتکب خیانت شود تنها می توان به وی ضم ناظر نمود.

۸۲- گزینه «۲»

نکته ۲۷: حتی اثبات مالکیت سابق مدعی کفایت نمی‌کند تا حکم به مالکیت مدعی داده شود چرا که در این صورت در تعارض اصل استصحاب با اماره ید، این اماره ید است که مقدم خواهد بود مگر اینکه اثبات مالکیت سابق مدعی از طریق اقرار متصرف فعلی باشد که اصطلاحاً باعث «انقلاب دعوا» می‌گردد.

۸۳- گزینه «۴»

ممکن است ابتدا تصور شود که با توجه به متن ماده ۱۲۰ ق.م که مقرر می‌دارد: «اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار او سر تیر بگذارد یا روی آن بنا کند هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کند مگر اینکه به وجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد.» پاسخ سؤال گزینه «۳» خواهد بود ولی با توجه به نکات زیر پاسخ مسئله روشن خواهد شد:

نکته ۲۸: اگر تصرفی توسط مالک برای وی مفید و برای دیگری مضر باشد و عدم انجام آن تصرف منجر به ضرر مالک گردد، به موجب تعارض دو قاعده لاضرر که هر کدام ناظر به ضرر یکی از طرفین است و تساقط آنها، قاعده تسلیط به نفع مالک حاکم شده و او مجاز به تصرف است.

نکته ۲۹: اگر تصرفی توسط مالک برای وی مفید و برای دیگری ضرر داشته باشد ولی در عین حال عدم انجام آن تصرف به مالک ضرر نرساند، قاعده لاضرر که ناظر به ضرر غیر است بر قاعده تسلیط مالک حاکم شده و مالک را از تصرف منع می‌کند.

نکته ۳۰: اگر تصرفی توسط مالک برای وی سود نداشته باشد ولی عدم انجام آن باعث ضرر وی گردد و در عین حال از انجام این تصرف به دیگری ضرر رسد، در اینجا پس از تعارض و تساقط دو قاعده لاضرر که هر کدام ناظر به ضرر یکی از مالک و دیگری است، قاعده تسلیط به نفع مالک حاکم شده و وی مجاز به انجام تصرف مورد نظر خود است.

نکته ۳۱: اگر تصرفی توسط مالک برای وی سود نداشته باشد و در صورت انجام ندادن آن تصرف هم ضرری متوجه وی نگردد اما از این تصرف، دیگری ضرر ببیند به موجب قاعده لاضرر مالک مجاز به تصرف نخواهد بود یعنی در اینجا فقط یک قاعده لاضرر هست و آن هم به نفع غیر (مثلاً همسایه) ایجاد و حاکم می‌گردد.

نکته ۳۲: اگر انجام یا عدم انجام تصرفی توسط مالک هیچ سود یا ضرری برای مالک و همسایه نداشته باشد، مالک مجاز به تصرف خواهد بود و علت آن نیز وجود قاعده تسلیط به سود وی است.

نکته ۳۳: اگر تصرفی برای توسط مالک برای وی سودآور باشد و ضرری را نیز متوجه همسایه نگرداند، صرف نظر از اینکه عدم تصرف برای مالک زیان‌بار باشد یا نباشد، وی به موجب قاعده تسلیط مجاز به تصرف خواهد بود.

حال با توجه به نکات مذکور، در مورد سؤال مطروحه می‌توان گفت اگر برداشتن سرتیر برای مالک سودی نداشته باشد ولی برای همسایه مضر باشد و از برداشتن سرتیر (عدم انجام تصرف) ضرری به مالک نرسد، نمی‌توان حکم به جواز مالک در برداشتن سرتیر داد. لذا دیدیم که ماده ۱۲۰ ق.م نمی‌تواند مطلقاً جاری و ساری گردد.

۸۴- گزینه «۴»

ماده ۱۳۷ ق.م: «حریم چاه برای آب خوردن (۲۰) گز و برای زراعت (۳۰) گز است.»

۸۵- گزینه «۴»

زیرا ظاهر ماده ۱۳۶ ق.م که در آن آمده است: «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.» مبنای حریم را کمال انتفاع می‌داند و ماده ۱۳۹ ق.م که مقرر داشته: «حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف در آن که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است بدون اذن از طرف مالک صحیح نیست و بنابراین کسی نمی‌تواند در حریم چشمه و یا قنات دیگری چاه یا قنات بکند ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود جایز است.» مبنای حریم را دفع ضرر می‌داند باین حال هر دو مبنا قابل جمع است. زیرا عدم امکان انتفاع مناسب و کامل، خود نوعی ضرر است. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست‌ویکم، ماده ۱۳۶ بند ۳)

۸۶- گزینه «۴»

زیرا به موجب ماده ۱۴۲ ق.م که بیان داشته: «شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه و غیره تحجیر است و موجب مالکیت نمی‌شود ولی برای تحجیر کننده ایجاد حق اولویت در احیاء می‌نماید.» تحجیر صرفاً حق اولویت در احیاء ایجاد می‌نماید.

۸۷- گزینه «۱»

در مورد گزینه «۴» نباید با توجه به ظاهر ماده ۱۵۷ ق.م، قرعه زدن را اولین راه حل در این مورد بدانیم چرا که قرعه برای مسائل مشکل است که از راههای دیگر امکان حل آنها نباشد. در متن ماده مذکور نیز شرایط دیگری برای توسل به قرعه برشمرده شده است.

۸۸- گزینه «۱»

ر.ک (کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ سی‌ونهم ماده ۱۳۲)

۸۹- گزینه «۲»

ماده ۱۷ ق.م: «حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به‌طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است»

۹۰- گزینه «۱»

ماده ۷۶ ق.م: «کسی که واقف او را متولی قرار داده می‌تواند بدوً تولیت را قبول یا رد کند.....»

۹۱- گزینه «۳»

ماده ۷۹ ق.م: «واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده شده است عزل کند مگر در صورتی که حق عزل شرط شده باشد.....»

۹۲- گزینه «۱»

ماده ۷۷ ق.م: «هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر به طور استقلال تولیت قرار داده باشد هر یک از آنها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف می کنند.....»

۹۳- گزینه «۳»

از آنجا که وقف یک مال، سود مادی برای مالک ندارد لذا از بعد مادی، یک تصرف صرفاً مضر برای مالک محسوب می شود. پس با توجه به مقررات حاکم بر محجورین، این معامله علی الاصول باطل است مگر اینکه مصالحی بتواند این موضوع را توجیه کند مثل سود معنوی ای که این عمل برای واقف دارد.

۹۴- گزینه «۱»

ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ بیان می دارد: «کتابخانه های عمومی و مؤسسات جمع آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می شوند می توانند طبق آیین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکس برداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند.»

۹۵- گزینه «۱»

ماده ۳۲ ق.م: «تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالک اموال مزبوره است.»

۹۶- گزینه «۱»

ماده ۱۰۰ ق.م: «اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و در مجری خرابی به هم رسد به نحوی که عبور آب موجب خسارت خانه شود مالک خانه حق ندارد صاحب مجری را به تعمیر مجری اجبار کند بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگر خرابی مجری مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند در این صورت برای تعمیر مجری می تواند داخل خانه یا زمین شود ولیکن بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر به اذن صاحب ملک.»

۹۷- گزینه «۳»

ماده ۱۱۵ ق.م: «در صورتی که دیوار مشترک خراب شود و احد شریکین از تجدید بنا و اجازه تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید شریک دیگر می تواند در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند.»

۹۸- گزینه «۲»

ماده ۶۵ ق.م: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقع شده باشد، منوط به اجازه دیان است.»

۹۹- گزینه «۴»

نکته ۳۴: در حق انتفاع شخص مالکیتی نسبت به منافع ندارد بلکه همان طور که از نامش پیداست فقط حق استفاده از منافع را دارد اما در مالکیت منافع، منفعت در ملک صاحب منافع حاصل شده و از آن استفاده می گردد. ر.ک (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۲۹

بند ۱۴) از طرفی این مفهوم فراتر از اباحه انتفاع یا اذن در انتفاع است چرا که در دو مورد مذکور حق ایجاد نمی‌شود در حالیکه در حق انتفاع همانطور که اشاره شد حق ایجاد می‌گردد.

۱۰۰- گزینه «۴»

ماده ۱۳۲ ق.م: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.»

نکته ۳۵: برای جواز تصرف در ملک خود، مالک باید این دو شرط را توأمان رعایت نماید: ۱- تصرف او متعارف باشد ۲- این تصرف برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خودش باشد

نکته ۳۶: اگر تصرفی برای رفع حاجت یا دفع ضرر نباشد ولی متعارف باشد، به شرطی طبق قاعده تسلیط امکان تصرف هست که این تصرف هیچ ضرری برای دیگری نداشته باشد. چرا که در این صورت قاعده لاضرر بر مسئله حاکم خواهد شد و تصرف را ممنوع می‌کند.

۱۰۱- گزینه «۲»

ماده ۱۸ ق.م: «حق انتفاع از اشیاء غیرمنقول مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقول از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است.»

گزینه‌های ۳ و ۴ به موجب ماده ۲۰ ق.م که مقرر داشته: «کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.» وضعیتشان مشخص است.

نکته ۳۷: مال الاجاره غیرمنقول که ناشی از قرارداد اجاره است، در حکم منقول است لیکن اجرت‌المثل غیرمنقول که بدون قرارداد بر عهده اشخاص قرار می‌گیرد، غیرمنقول تبعی محسوب می‌شود.

۱۰۲- گزینه «۴»

حق ارتفاق به املاک و اراضی اختصاص دارد و برای اموال منقول و حتی غیر منقول حکمی و تبعی هم متصور نیست. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۹۳ بند ۱۰)

۱۰۳- گزینه «۴»

ر.ک نکته ۳۴

۱۰۴- گزینه «۳»

ماده ۵۳ ق.م: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود ولی اگر منتقل‌آلیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت»

۱۰۵- گزینه «۳»

نکته ۳۸: درست است که وقف بر نفس به استناد ماده ۷۲ ق.م باطل است اما باید توجه داشت که میان موقوف‌علیه واقع شدن واقف، و مشروط‌آله واقع شدن وی تفاوت هست. واقف نمی‌تواند موقوف‌علیه واقع گردد اما این امکان برای وی هست که در ضمن عقد وقف شرطی را به سود خود بگنجاند مگر اینکه

شرط از مصادیق شروط باطل در وقف نظیر شرط دادن نفقه همسرش باشد و یا شرط مذکور به گونه‌ای باشد که عملاً از مصادیق وقف بر نفس گردد که در این صورت نیز باطل است. این دیدگاه همچنین با تفسیر مضیق موارد بطلان عقود نیز هماهنگ به نظر می‌رسد.

۱۰۶- گزینه «۲»

ماده ۴۴ق.م: «در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند.»

۱۰۷- گزینه «۲»

ر.ک ماده ۴۴ق.م

۱۰۸- گزینه «۴»

ماده ۶ قانون تملک آپارتمان‌ها مقرر داشته: «چنانچه قراردادی بین مالکین یک ساختمان وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات مربوط به اداره و امور مربوط به قسمت‌های مشترک به اکثریت آراء مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت‌های اختصاصی را مالک باشند.»

۱۰۹- گزینه «۲»

ماده ۱۰۵ق.م: «کسی که حق الارتفاق در ملک غیر دارد مخارجی که برای تمتع از آن حق لازم شود به عهده صاحب حق می‌باشد مگر اینکه بین او و صاحب ملک بر خلاف آن قراری داده شده باشد.»
علت نادرستی گزینه «۱»: قرارداد موجب حق ارتفاق ممکن است رایگان یا معوض باشد و این موضوع از ماده ۹۴ق.م برداشت می‌گردد.

علت نادرستی گزینه «۳» ماده ۹۵ق.م است که بیان داشته: «هر گاه زمین یا خانه کسی مجرای فاضلاب یا آب باران زمین یا خانه دیگری بوده است صاحب آن خانه یا زمین نمی‌تواند جلوگیری از آن کند مگر در صورتی که عدم استحقاق او معلوم شود.»

همچنین است ماده ۹۷ که مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی از قدیم در خانه یا ملک دیگری مجرای آب به ملک خود یا حق مرور داشته صاحب خانه یا ملک نمی‌تواند مانع آب بردن یا عبور او از ملک خود شود...»

علت نادرستی گزینه «۴» نیز به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۹۷ق.م قابل درک باشد مثلاً فرض کنید وضع طبیعی املاک به نحوی باشد که جز از طریق عبور مجرای آب از ملک کناری، امکان استفاده ساکنان آن از آب وجود نداشته باشد که در چنین حالتی می‌توان این وضعیت را سبب احراز وجود حق ارتفاق دانست.

۱۱۰- گزینه «۲»

حیازت مباح، عمل حقوقی و نوعی ایقاع مشروط به احیاء است لذا زمانی باعث تملک است که احیاء با قصد تملک همراه باشد. ظاهراً منظور سؤال این است که در مورد حیازت مباح نظیر صید چنانچه در لحظه صید قصد تملک آن در صیاد موجود نباشد و مثلاً به قصد تفریح این کار را کرده باشد تملک برای وی حاصل نخواهد شد و قصد تملک بعدی نیز مؤثر نخواهد بود چرا که حیازت قبلاً محقق گشته است.

۱۱۱- گزینه «۲»

ر.ک نکته ۳۴

۱۱۲- گزینه «۴»

ماده ۱۸ ق.م: «حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است.»

از طرفی نیز ماده ۲۰ ق.م بیان نموده: «کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد.»

۱۱۳- گزینه «۴»

نکته ۳۹: اگر موضوع یک حق عینی، مالی غیرمنقول باشد، نظیر حق کسب و پیشه و تجارت، حق مذکور نیز به تبع آن مال غیرمنقول خواهد بود. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۱۸ بند ۲)

۱۱۴- گزینه «۳»

ماده ۱۷ ق.م: «حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است»

لذا بهتر بود که در این گزینه قید «از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال» آورده می شد.

۱۱۵- گزینه «۳»

زیرا در آن قبض شرط صحت نیست.

۱۱۶- گزینه «۲»

ماده ۳۴ ق.م بیان داشته: «نتایج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالک مادر است مالک نتایج آن هم خواهد شد.»

از طرفی ماده ۳۵۸ ق.م بیان نموده: «..... در بیع باغ، اشجار و در بیع خانه ممر و مجری و هر چه ملصق به بنا باشد به طوری که نتوان آن را بدون خرابی نقل نمود متعلق به مشتری می شود و برعکس زراعت در بیع زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان متعلق به مشتری نمی شود مگر اینکه تصریح شده باشد یا بر حسب عرف از توابع شمرده شود. در هر حال طرفین عقد می توانند به عکس ترتیب فوق ترازی کنند.»

در واقع فرض ماده ۳۴ جایی است که در مورد مالکیت نتایج حیوانات اختلاف باشد بدون اینکه بحث از وجود عقدی میان طرفین در میان باشد. اما در ماده ۳۵۸ بحث بر سر تشخیص توابع مبیع و این که چه اموالی در اثر عقد بیع (و به طور کلی عقود تملیکی) دچار تغییر مالکیت می‌شوند، است.

۱۱۷- گزینه «۲»

تبصره ۳ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بیان می‌دارد: «در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هر گاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هر گاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می‌شود.....»

۱۱۸- گزینه «۴»

نکته ۴۰: هزینه لازم برای استفاده از حق ارتفاق به عهده صاحب حق مذکور است ولی مخارج نگهداری از اصل مال بر عهده مالک آن خواهد بود. در واقع ملاک تحمل مخارج در این مورد نیز مانند حق انتفاع است مگر اینکه بین طرفین تراضی بر خلاف آن صورت گیرد. (بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ بیست و یکم، ماده ۱۰۰) همچنین ر.ک ماده ۱۰۵ ق.م.

۱۱۹- گزینه «۴»

ماده ۱۸ ق.م: «حق انتفاع از اشیاء غیر منقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیر منقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیر منقول است»

ماده ۲۰ ق.م: «کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیر منقوله باشد»

۱۲۰- گزینه «۳»

ر.ک نکته ۳۷ و ماده ۱۸ قانون مدنی

۱۲۱- گزینه «۳»

ماده ۳۷ ق.م: «اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند مگر اینکه ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است.»

منظور از قبول کردن مالکیت شخص «ب» در واقع اقرار به مالکیت وی است.

نکته ۴۱: در مورد حکم ماده ۳۷ ق.م اقرار خصوصیت دارد و اگر از راههای دیگر مالکیت سابق مدعی اثبات گردد، سبب بی اعتباری تصرف متصرف فعلی نمی‌گردد.